

1- عضو کادر علمی پوهنځی شرعیات پوهنتون

سلام

تلفون: +93788314991

پل: [prolbalkhi@gmail.com](mailto:prolbalkhi@gmail.com)

### معلومات مقاله

تاریخ نشر: 1401/05/23

شماره مقاله در ژورنال: 01

تعداد صفحات: 16

شماره نوبتی مجله: 11

کلید واژه ها: تفکر پسندیده، تفکر مذموم،

غذای روح، ایمان

### چکیده

از آنجایی که تفکر از اهمیت بسزایی برخوردار است علماء آن را عبادت دانسته و در تصحیح تصور، عقیده، سلوک و جهان بینی انسان نقش مؤثر برایش قائل اند که می توان آنرا راهی به سوی ایمان خواند.

درین نوشتار که بحثی تحت عنوان: " تفکر راهی به سوی ایمان " نگاشته شده موضوعات ذیل را احتوانموده است:

نخست معنای لغوی واصطلاحی تفکر، بعد اهمیت و فضیلت آن، سپس از حقیقت تفکر سخن به میان آمده است.

البته راجع به انواع واقسام تفکر و تقسیم آن به پسندیده و غیر پسندیده بحث شده و مجالات آن به صورت تفصیلی مورد بحث و کنکاش قرار گرفته است، وهم از روشهای قرآن کریم راجع به دعوت به تفکر بحث به میان آمده و از موانع آن نیز صحبت شده است.

فواید و آثار تفکر که از موضوعات مهم در تفکر است، در این نوشتار به تفصیل بررسی و مورد تحقیق واقع شده، شماره وار به نگارش گرفته شده است، و بحث با ذکر نتایج به دست آمده اختتام یافته است.

### معلومات مجله:

مجله علمی پوهنتون سلام، نشرات خویش را از سال 1390 هـ.ش آغاز نموده و دست آورد های زیادی در این زمینه دارد، در ادامه سلسله فعالیت های خویش به تاریخ 1401/03/22 اعتبار نامه خویش را به عنوان یکی از معتبرترین مجله از وزارت محترم تحصیلات عالی کشور به دست آورد.

آدرس: افغانستان، کابل، ناحیه چهارم، کوله پشته، چهار راهی قلعه بست (گل سرخ)، پوهنتون سلام.

آدرس ارتباطی؛ وبسایت: <https://salam.edu.af/magazine> , <https://research.salam.edu.af>

ایمیل: [salamuk@salam.edu.af](mailto:salamuk@salam.edu.af) , [https://salamjournal@salam.edu.af](mailto:https://salamjournal@salam.edu.af)

شماره های تماس: +93703649505 و +93785351450

### مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام على خير خلق الله وعلى آله واصحابه و من اهتدى بهداه وبعد!

انسان مخلوقی مرکب از عقل، جسد، قلب و روح است و هر یک از این اجزاء نیازمندی و احتیاجات ویژه خود را دارد که از آن تغذیه نماید. الله تعالی برای هر یک غذای مناسبی قرار داده که بوسیله آن تغذیه می شود، قراءت، خواندن و مطالعه غذای عقل است، طعام و انواع خوراکی ها غذای جسد، خلوت با نفس و تفکر در آفریدگار مخلوقات و آیات الهی غذای روح است.

از طرف دیگر الله تعالی نظام هستی و کائنات را با صنعت بسیار بدیع و عجیب و با اتقان کامل پروردگاری آفریده و آن را برای انسان مسخر ساخته و ارتباط انسان را با جهان هستی و کائنات ارتباط مسالمت آمیز، با انسجام و تفاعل قرار داده است و الله تعالی در کتاب های

ارسالی اش برخی اسرار این کون را برای انسان یادآور شده و عرصه‌های گسترده‌یی را وا گذاشته تا انسان عقل خویش را در کشف و استکشاف آن به کار برده و بر آتش زنه فکر خویش در آن چخماق زند. و از این جهت در بسیاری از آیات قرآنی به دقت نظر و غورنمودن و اندیشیدن در جهان هستی و کائنات فرا خوانده شده و به روش‌های گوناگون مطالبه صورت گرفته است؛ از جمله اسلوب استفهام انکاری بر آنان که حواس ادراکیه خویش را به کار نبسته و مهم‌ترین وظیفه آن را - که تفکر است - معطل قرار داده‌اند الله تعالی می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا..» و این گونه به صیغه‌های «أَوَلَمْ يَرَوْا...» و «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا» و «أَفَلَا يَنْظُرُونَ...» آمده و در مقابل بر آنان که تفکر و تدبر می‌نمایند ثنا و ستایش آمده است. الله تعالی می‌فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿۱﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (1) ترجمه: "یقیناً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی است؛ آنانی که الله را ایستاده و نشسته و خفته بر پهلو یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند] ای پروردگارا! این [دستگاه شگفت‌انگیز] را بیهوده نیافریده‌یی تو را به پاکی یاد می‌کنیم پس ما را از عذاب دوزخ نگاه دار."

اهمیت تفکر در آیات دیدنی و خواندنی الهی از آن لحاظ است که تفکر سبب افزایش ایمان شده و بر یقین و باورمندی مؤمن می‌افزاید، البته این امر نیازمند آن است که انسان در احکام، بینش درست و آگاهی داشته باشد تا با استمداد از قوه تفکر به حکمت و فلسفه اشیاء و احکام؛ آشنایی حاصل نماید.

تفکر آن مفاهیم ایمانی را که به سبب گناهان غائب شده باشد برای قلب روشن و برملا می‌سازد، و هر نوعی از انواع تفکر دریچه‌یی از دریچه‌های ایمان و روزنه‌یی از حقایق آن را بر قلب انسان می‌گشاید. آنگاه حقایق و معانی ایمانی چون یقین، خشیت، محبت، رجاء، توکل، انابت و... در جولان تفکر، برای قلب نمایان می‌گردد، و البته به هر پیمانیه‌یی که تفکر با حضور قلب و اعمال عقل صورت گیرد به همان اندازه حقایق ایمانی روشن‌تر، مؤثرتر و خوب‌تر متبلور می‌شود.

با در نظر داشت اهمیت تفکر و نقش آن در تقویت ایمان و افزایش یقین، خواستم نوشتاری را درین مورد ترتیب، پهلوها و جوانب مرتبط به آن را با استناد به نصوص قرآن و حدیث و اعتماد به گفتار علماء و دانشمندان؛ مورد بحث و بررسی قرار دهم تا باشد این نوشته مختصر-روزنه‌ی روشنی را به سوی تفکر، فواید، اهمیت، آثار و نتایج آن بگشاید و انگیزه‌یی گردد که خواننده‌گان این مقاله را به عبادت تفکر و تأمل وادارد، و همین اهمیت سبب گزینش این موضوع برای نگارش نوشتاری به نگارنده گردید، و البته مبرمیت موضوع روی اهمیت نیازی که به آن دیده می‌شود به خواننده محترم پوشیده نمی‌ماند، و اینک غرض توضیح بیشتر و دست‌یابی به نتایج مطلوب موضوع را طی مباحث ذیل مورد بحث و بررسی به توفیق پروردگار قرار می‌دهیم:

## مبحث اول: مفهوم تفکر

### تفکر در لغت:

تفکر در لغت اندیشه کردن، تأمل، اندیشیدن، نظرکردن، تأمل در چیزی، اندیشه، فکر و تعمق<sup>(2)</sup>. ابن منظور راجع به معنای تفکر می‌گوید: «فکر و فکر در چیزی اندیشه را به کار بردن است. او می‌افزاید که فکر و فکر و تفکیر به یک معنا اند و تفکر اسم تفکیر است و تفکیر به معنای تأمل و اندیشیدن است<sup>(3)</sup>. تفکیر نیز به معنای اندیشه کردن است<sup>(4)</sup>» و بدین سان فیروز آبادی در قاموس المحيط گفته است: «فکر بکسر فاء و به فتح آن اندیشیدن در کاری است مانده "فکره" و جمع فکر افکار است، فکر فیه، وأفکر وفکر وتفکر به یک معنا است<sup>(5)</sup>». صاحب المعجم الوسیط راجع به معنای لغوی تفکر گفته است: «تفکر فی الأمر یعنی إفتکر و معنای افتکر: به یاد آورد و عقلش را در امری به کار برد و تفکیر به کاربردن عقل در امر مشکل و دشواری است تا به حل آن دست یابد<sup>(6)</sup>».

1- آل عمران: 190-191.

2- دهخدا: علی اکبر دهخدا در سال 1297 تولد و در سال 1324 وفات یافت. لغت نامه دهخدا حرف (تفکر) دانشگاه تهران نشر 1359.

3- ابن منظور: محمد بن مکرم بن منظور افریقایی مصری مشهور به ابن منظور لسان العرب دار صادر بیروت چاپ اول تعداد اجزاء 15 جزء 5 ص: 65 ماده (فکر).

4- لغت نامه دهخدا حرف تا ماده (تفکیر).

5- فیروز آبادی: محمد بن یعقوب الفاموس المحيط ج 1 ص: 589.

6- المعجم الوسیط: مولفین: ابراهیم مصطفی، احمد الزیات، حامد عبدالقادر و محمد النجار ناشر دار الدعوة- تحقیق مجمع اللغة العربية عدد الأجزاء 2 ص: 698.

از مجموع اقوال دانشمندان لغت در مورد تفکر نقاط ذیل به دست می آید:

1- ریشه تفکر، تفکیر و افکر که از مزیدات اند. ماده اصلی و مجرد آنها (ف ک ر) فکر بوده که به معنای استعمال اندیشه و کار برد آن در امری می باشد.

معنای مجرد و مزید آنها یعنی فکره تفکر، تفکیر و افکار یک سان بوده یعنی مزیدات آنها هم لازمی استعمال می شود وصله‌ی شان حرف "فی" می آید.

## 2- تفکر در اصطلاح:

جرجانی در کتابش (التعریفات) راجع به تفکر و تدبر می گوید: «تفکر عبارت از آنست که قلب با تأمل و نگرش در دلیل، دست اندرکار می شود و در تدبر قلب به نگرش در عواقب و نتایج امور می پردازد، و هم می گوید: تفکر آنست که: قلب برای ادراک و دریافت مطلوب در معانی اشیاء می اندیشد.»<sup>(1)</sup>

ابن القیم می گوید: «تفکر عبارت از طلب قلب آن دانش و معلوماتی ر است که از بواذر امر موجود پیدا و حاصل نیست.»<sup>(2)</sup> مناوی با تعبیر نسبتاً متفاوت تری تفکر را چنین تعریف می کند: «التفکر طلب الفكر وهو يد النفس التي تنال بها المعلومات كما تنال بيد الجسم المحسوسات»<sup>(3)</sup>.

تفکر جویای اندیشیدن است و آن عبارت از آله و وسیله‌ی است که قلب روح با آن به دریافت معلومات نائل می شود آن گونه که با دست بدن محسوسات به دست آورده می شود.

راغب راجع به تفکر گفته است: «تفکر همانا نیروی فکری است که علم را به معلوم پیوند می دهد، تفکر سیر و جولان همین قوه بر وفق نظر عقل است که ویژه‌ی انسان بوده برای حیوان نیست، استعمال آن خاص در چیزی است که حصول صورت آن در قلب ممکن باشد؛ ازین رو، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند: "تفکروا فی آلاء الله ولا تفکروا فی الله"<sup>(4)</sup> یعنی در نعمت های الله متعال تفکر و تأمل نمایند و در ذات الله تفکر نکنید- چون الله تعالی از وصف شدن به صورت منزه است.»<sup>(5)</sup>

در میان تعریفات ذکر یافته تفاوتی زیادی دیده نمی شود ولی می توان در زمینه تعریف راغب را ترجیح داد چون نسبت به تعریفات دیگر جامع تر و شامل تر است

### 1. حقیقت تفکر:

تفکر در حقیقت عبارت از همان سیاحت نورانی و ریاضت ایمانی است که قلب، با وعی و درک کامل و عقل با بیداری تمام با هم در آن در فراخنای ساحات ایمان بدون قید و بند از اطراف زمین و قیود شهوات انطلاق می نماید تا به دریافت حکمت و معرفت و تحقق بخشی معنای ایمان و صعود در درجات عبودیت با هم جمع شوند.

پس تفکر در حقیقت فرصت بزرگی برای کشف ساحات بزرگ، فراخ و شدید العمق در نفس انسان است که رسیدن به آن، در غیر همین اجواء صاف و پاک، ناممکن است؛ اجواء که در آن انوار تدبر با صفای نفس امتزاج می یابد تا به حقایق عبودیت توأم با ضعف، ناتوانی، عجز و نیازمندی انسان و مشاهده‌ی کمالات ربوبیت توأم با کمال، جمال و جلال آن دست یابد.

تفکر با یک عملیه‌ی بسیط و آسان آغاز می یابد، با تفکر، قلب متوجه آیات سرسام آور و شگفت‌انگیز الهی و عظمت قدرت بی پایان او تعالی در آفریدگان شده به جلال و بزرگی او در فعل و تدبیرش متوجه می گردد، البته این در ابتدا طی یک عملیه‌ی آسانی صورت می گیرد که نیاز به مجاهده و سعی و تلاش زیاد ندارد، بعد عملیه‌ی تفکر کم کم ارتقا یافته تا آنکه متفکر در معانی و مقاصد آیات و عمق تأثیر آن‌ها می اندیشد و تأمل می نماید که البته رسیدن به این درجه به نوعی مجاهدت، سعی و تلاش نیاز دارد، و از عهده‌ی این کار، کسی بدر شده می تواند که بهره از بصیرت (بینش درونی) داشته و از سمو روحی برخوردار باشد، اینجاست که نور بصیرت نسبت به نور چشم، پیشی می

1- جرجانی: علی بن محمد بن علی السید الشریف الجرجانی: التعریفات ص: 76 تحقیق ابراهیم الانباری، ناشر: دار الکتب العربی بیروت.

2- مفتاح دار السعادة و منشور ولاية العلم والإرادة لابن القيم الجوزية، طبع دار الکتب العلمیة بیروت- لبنان 23/1.

3- عبدالروف المناوی ت 1031 التوفیق علی مهمات التعاریف تحقیق دکتور عبدالحمید صالح حمدان طبع اول: 1410 هـ 1990 عالم الکتب ص: 104.

4- این حدیث را طبرانی در المعجم الوسیط به روایت ابن عمر آورده و درجه آن را البانی حسن خوانده است و همچنان ابونعیم در الحلیة از ابن عباس به به لفظ: "تفکروا فی کل شیء ولا تتفکروا فی الله" آورده است و البته احادیث زیادی به این معنی آمده و عجلونی گفته: اسانید این احادیث ضعیف است اما اجتماع این احادیث قوت کمایی می کند و معنای حدیث صحیح است، کشف الخفا: 311/1 والنهائة فی غریب الحدیث 63/1.

5- الراغب الأصفهانی: حسین بن محمد بن المفضل توفی 440 وقیل 470 بنا بر اختلاف که وجود دارد برخی گفته اند بعد از پنجصد فوتیده، المفردات فی غریب القرآن الکریم ج 643/2.

گیرد و از ظواهر اشیاء و پدیده ها به حقایق آنها راه می یابد و فضل منعم را از وراء نعمت مشاهده و درک می کند و قدرت عظیم الله تعالی را در هر حرکت و سکون کاینات و جهان هستی به تماشا می گیرد و از عجائب آیات الهی در آفاق و آنفس و از حکمت عظیم شرع وی، زاد بزرگ ایمانی فراهم می آورد و از همه ی اینها شواهدی را بر بزرگی و جلال اسماء و صفات او تعالی، قدرت عظیم و حکمت تقدیرات، به دست می آورد<sup>(1)</sup>.

جرجانی راجع به حقیقت تفکر می گوید: «هو احضار ما فی القلب من معرفة الأشياء» تفکر عبارت از حاضر سازی معرفت اشیایی است که در قلب وجود دارد» و هم گفته است: «التفکر مصباح الإعتبار ومفتاح الاختیار وحديقة أشجار الحقایق و معرفة الأنوار الدقایق»<sup>(2)</sup> تفکر چراغ کسب حیثیت، کلید انتخاب، بوستان درختان حقایق و [وسیله ی] شناخت روشنائی های دقیق است.

تفکر در حقیقت، یک عملیه ی عقلی با درک است که خواستار منطق و شخصی است که اسباب و عوامل مختلف وقایع و رخدادها در یک قضیه مشخص درهم پیچیده را به کار برده می خواهد که منطق و راه حل آن قضیه را فهم و درک نماید، و البته تفکر با افکار چون خیر و شر، حق و باطل، سبب و نتیجه ارتباط وثیق و مستحکمی دارد، تفکر در نتیجه، ما را راجع به عمل و تحلیل اینکه نتیجه ی آن عملیه ایجابی یا سلبی، مفید یا مضر، استوار بر حقایق و منطق است - شناسایی می دهد.

### مبحث دوم: اهمیت تفکر و فضیلت آن

اهمیت تفکر از آنجا برملا می گردد که قرآن کریم به اسالیب مختلف در عرصه های متعدد انسان ها را به تفکر و تدبیر فرا می خواند و تفکر است که بابتی را برای دریافت حقایق می گشاید و روزنه ی روشنی را به سوی دقایق، باز می کند.

البته اهمیت و فضیلت تفکر از نتیجه و برآیند آن بخوبی روشن و هویدا می شود:

ابن جزئی مالکی -رحمه الله- می گوید: «فمن تفکر فی عظمة الله اکتسب التعظیم و من تفکر فی قدرة الله استفاد التوکل و من تفکر فی عذابه استفاد الخوف و من تفکر فی رحمة الله استفاد الرجاء و من تفکر فی الموت و مابعدہ استفاد قصر- الأمل و من تفکر فی ذنوبه اشتد خوفه و صغرت نفسه.»<sup>(3)</sup>

ترجمه: (تفکر سرچشمه ی هر حال و مقام است؛ بنا بر آن) کسیکه در عظمت الله تعالی تفکر می نماید به تعظیم و بزرگداشت الله تعالی می پردازد و کسیکه در قدرت الله می اندیشد توکل را حاصل می دارد (و به الله متوکل می شود) و هر که به عذاب الهی تفکر می کند خوف [الله تعالی] را کمایی می کند و کسیکه در رحمت الله تعالی تأمل و تفکر می نماید رجاء و امیدواری را در می یابد و کسی در مرگ و ما بعد آن می اندیشد آرزوها و آمالش کوتاه می شود و کسیکه به گناهانش تفکر می کند خوف و هراسش بیش تر و شدیدتر و نفسش حقیر و کوچک می گردد.

برآیند تفکر در عرصه های مختلف و مجالات متعدد نتایج عظیمی خود را دارد که هر یک از آن به خیر، صلاح و فلاح انسان است که بی تردید، بیانگر اهمیت و فضیلت تفکر است.

ابن القیم راجع به فضیلت تفکر می گوید: «التفکیر یفید تکثیر العلم والتذکر یحفظه ولهذا قال الحسن ما زال أهل العلم یعودون بالتذکر علی التفکر وبالتفکر علی التذکر و یناطقون القلوب، حتی نطقت بالحکمة فالتفکر والتذکر بذار العلم... فالخیر والسعادة فی خزانة مفتاحها التفکر.»<sup>(4)</sup> تفکر در علم افزایش می آورد و تذکر آن را نگاه می دارد بدین لحاظ حسن بصری گفته است: "پیوسته اهل علم با تذکر بر تفکر و یا تفکر بر تذکر بر می گردند و با دلها به گفتگو می پردازند تا آنها به حکمت و دانش زبان بگشایند پس تفکر و تذکر بذر علم و دانش اند[ابن القیم بعد از نقل قول حسن بصری می گوید] خیر و سعادت در گنجینه یی قرار دارد که کلید آن تفکر است.

تفکر: عبادت الله تعالی با اسماء، صفات و افعالش بوده و انقطاع و بریدن از غیر او تعالی به سوی او، و مداومت و استمرار همین عمل است که ملکه ی تفکر و پند پذیری و دوام توجه به سوی الله تعالی را به انسان می رساند، و از آن جایی که تفکر، از بهترین وسیله ی شناخت و معرفت الله تعالی برای بندگان می باشد، اشرف العبادات خوانده شده است.

و این هم از فضیلت و اهمیت تفکر است که اسلام به آن، اهتمام نموده و جایگاه انسان متفکر را از سطح عموم، بالا برده در کنار عارفان که لذت محبت و حلاوت ایمان را به اساس علم و دانش حاصل می نمایند، قرار می دهد، چون تفکر، علم می آورد و علم باعث سمو و بلندی

1- مجلة البیان الكويتية که از طرف رابطة الأدباء الكويتيين به نشر می رسد شماره 268 تاریخ نشر: 2010/10/24م با تصرف و اختصار.

2- جرجانی: التعريفات ص: 88.

3- ابن جزئی محمد بن احمد بن جزئی الکلبی الغرناطی ابوالقاسم توفای 741 القوانين الفقهية فی تلخیص مذهب المالکية ص: 284.

4- ابن القیم: ابوعبدالله محمد بن ابی ایوب الشهير بابن القیم الجوزية ت 751 مفتاح دار السعادة و منشور ولاية العلم والارادة ج 1 ص: 183.

صاحبش شده او را به درجات بلند ایمان می‌رساند؛ چون زیادت علم، موجب زیادت و تقویه‌ی ایمان است؛ طوری که الله تعالی می‌فرماید: **إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ**<sup>(1)</sup> ترجمه: تنها علماء هستند که از الله می‌ترسند.

راجع به فضیلت تفکر بیهقی در شعب الإیمان از ابو درداء -موقوفاً- روایت می‌کند که گفته است: «تفکر ساعة خیر من قیام ليلة»<sup>(2)</sup> یعنی یک لحظه تفکر، از قیام [بر نماز] یک شب، بهتر است.

تفکر وسیله ی ذکر و یاد آوری الله تعالی و وسیله شناخت نشانه های قدرت عظیم و عجائب صنعت او در کاینات و مخلوقات بوده باعث تحریک قلوب، و به کار اندازی آنها شده حقیقت ربوبیت الله تعالی را در جهان هستی به مشاهده قرار می‌دهد.

حسن بصری می‌گوید: "ما زال اهل العلم يعودون بالتذكر على التفكير وبالتفكير علي التذكر ويناطقون القلوب فاذا لها أسمع وأبصار"<sup>(3)</sup> پیوسته علما، با تذکر بر تفکر، و با تفکر بر تذکر بر می‌گردند و با دلها حرف می‌زنند تا به حرف آیند، بناگاه که دلها، گوشها و چشمهای دارند، یعنی دلها بیدار شدند و می‌شنیدند، می‌دیدند و فهم می‌کردند، بیداری دل و فهم آنها از مهم‌ترین و بهترین حالت انسان است که به آن دست یابد و مهم‌ترین وسیله‌ی آن تفکر است که موجب تذکر، شده و بعد هر دو باعث بیداری قلب می‌شود که این بزرگترین فضیلت تفکر است.

### مبحث سوم: انواع تفکر

#### 1- تفکر از لحاظ متعلقاتش به طور عام به دو گونه تقسیم می‌شود:

##### الف: تفکر خوب، پسندیده و محبوب:

تفکری که الله تعالی آن را دوست دارد و به آن امر، و ترغیب نموده و بنده گان رابه آن فراخوانده است، طوری که می‌فرماید: «**أُولَئِكَ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ ۗ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ**»<sup>(4)</sup> ترجمه: آیا [کافران] در ضمیر خود نیاندیشیدند که الله آسمانها و زمین و آنچه را که در میان این هردواست، جز برای اظهار حق، و برای مدت معینی نیافریده است و یقیناً بسیاری از مردم به ملاقات پروردگارشان کافراند.

و هم فرموده است: «**إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ۚ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ**»<sup>(5)</sup> ترجمه: "یقیناً در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و رفت شب و روز، برای خردمندان، نشانه‌ها است، آنانی که الله را ایستاده و نشسته و خفته برپهلوی، یاد می‌کنند، و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند] ای پروردگار! این (دستگاه شگفت انگیز) را بیهوده نیافریده‌ای، ترا به پاکی یاد می‌کنیم، پس ما را از عذاب دوزخ نگاه دار".

ابن جریر طبری در تفسیر این آیت می‌نویسد: "فانه یعنی بذلك أنهم يعتبرون بصنعة صانع ذلك، فيتعلمون أنه لا يصنع ذلك الا من ليس كمثله شيء، ومن هو مالك كل شيء ورازقه وخالق كل شيء ومدبره، ومن على كل شيء قدیر، وبيده الإغناء والإفقار والإعزاز والإذلال والإحياء والإماتة، والسعادة والشقاوة."<sup>(6)</sup>

البته مقصود، این است که ایشان از هنرنمایی و کارسازی صانع آن عبرت می‌گیرند و آنگاه آگاهی حاصل می‌کنند که این کار را جز کسیکه شبیه و مثل ندارد و کسی که مالک هرچیز، رازق، خالق و مدبر هر چیز است و کسی که بر هر چیز قادر است، ثروتمند گردانیدن و فقیر ساختن؛ عزت دادن و ذلیل گردانیدن؛ زندگی بخشیدن و میرانیدن؛ سعادت و شقاوت به دست اوست جز او کسی نمی‌تواند آن را بسازد. آیاتی که الله تعالی مردم را به تفکر و تدبر جهان هستی، کاینات، آیات خواندنی و دیدنی و نعمتهای آسمانی و زمین دعوت می‌کند بالاتر از حد شمار است.

1- فاطر: 28

2- بیهقی این اثر را به سند صحیح از ابوداود موقوفاً روایت نموده، شعب الإیمان 117 و هکذا ابن المبارک در زهد 949 از طریق دیگری از ابوداود روایت نموده و ابونعیم در الحلیة 4/271 از حسن بصری روایت نموده و اسنادش صحیح است.

3- الفتاوی الکبری تالیف ابوالعباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه ت728 تحقیق محمد عبدالقادر عطاومصطفی عبد القادر عطا نشر دارالکتب العلمیه الطبعه الاولى 1408 ج 6 ص 519

4- الروم / 8

5- آل عمران / 190-191

6- جامع البیان فی تفسیر القرآن ابوجعفر ابن جریر الطبری ناشر دارهجر چاپ اول ج 6 ص 309

در تفسیر قرطبی آمده است که الله تعالی سوره‌ی آل عمران را به امر، به نظر و تفکر، در آیاتش پایان بخشیده است. زیرا این سوره -وهمه قرآن کریم- از ذات حق، قیوم، قدوس، سلام، که غنی و بی نیاز از جهانیان است، صادر شده است، تا ایمان‌شان مبتنی بر یقین بوده بر تقلید بنا شد، ازینرو فرموده [لَايَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ] یعنی آنهایی که عقول خویش را در تأمل دلایل به کار می‌برند. و از عایشه -رضی الله عنها- روایت است: هنگامیکه این آیه (۱۹۰) بر پیغمبر -صلی الله علیه وسلم- نازل شد بپا خاستند و نماز می‌خواندند، بلال آمد که ایشان را به نماز خبر دهد، دید که گریه می‌کنند، گفت: یا رسول الله آیا شما گریه دارید در حالیکه الله تعالی گناهان گذشته و آینده‌ی شما را بخشیده است؟ رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: ای بلال آیا بنده‌ی سپاسگذار و شاکر نباشم؟ و امشب بر من این آیت نازل شد: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» و **يِل لِمَنْ قَرَأَهَا وَلَمْ يَتَفَكَّرْ فِيهَا**، (1)

وای برحالی کسی که این آیت را می‌خواند و تفکر نمی‌کند. این نوع تفکر، تفکر محمود، پسندیده و بلکه مطلوب است؛ تفکری است که انسان را به ایمان پیوند می‌دهد. شوکانی در تفسیر آیه‌ی فوق می‌نویسد: «والمعنى انهم يتفكرون فى بدیع صنعهما وإتقانها مع عظم أجزامهما فان هذ الفكر إذا كان صادقاً أوصلهم الى الإيمان بالله سبحانه وتعالى.»<sup>(2)</sup>

یعنی ایشان در شگفتی صنعت، و آفرینش آسمان و زمین و استواری آنها با بزرگی اجرام‌شان می‌اندیشند، و هرگاه این تفکر و اندیشه صادقانه باشد ایشان را به ایمان به الله سبحانه و تعالی می‌رساند.

### ب: تفکر مذموم

یعنی تفکری که الله تعالی آن را نمی‌پسندد و موجب خشم او تعالی بوده و از آن در شریعت، نهی آمده است. و این نوع تفکر، در عرصه‌ها و مجالاتی است که انسان توانایی تفکر در آن را نداشته و اصلاً برای انسان، این توانایی داده نشده، و انسان از درک آن ناتوان و درمانده است، این تفکر؛ تفکر در امورغیبی کیفیت و چگونگی آنها و تفکر در ذات الله تعالی است؛ چون تفکر در چنین امور فراتر از حد ادراک، و بالاتر از توانایی و قدرت عقلی انسان است. از اینرو این تفکر، مذموم و ناپسند است، و همچنین تفکر و تفکیر در امور لایعنی و غیر مقصودی، از تفکر مذموم به حساب می‌آید؛ مانند تفکر در خیالات و اوهام، طوری که ابن قیم در مفتاح دار السعادة گفته است: «واینچنین [از تفکر مذموم است] شخصی که بر خیالات پست و بی مفهوم و آرزوهای بیهوده زندگی می‌کند؛ چون شخصی فقیر و بینوایی که خود را غنی‌ترین انسان تخیل نماید به خواب می‌بیند که او سرمایه‌دارترین انسان است و در خیالش می‌آورد که اخذ و عطا می‌کند، به کسی احسان می‌نماید و کسی را محروم می‌سازد؛ و هکذا شخص ناتوان، ضعیف و مغلوبی که خود را از قوی‌ترین پادشاهان تصور نماید و به فکر و خیالش بیاورد که در شهرها تصرف دارد و امر ونهی می‌کند و لشکر مملکت خویش را هر طرف ارسال می‌دارد و بیرق‌های جنگ را می‌بندد، این چنین افکار و اوهام و خیالات مذموم بوده از افکار بیکاره گان، کاهلان و بطلان است؛ آنانی که از واقعیت و از تفکر در امور مقصودی، بَدَر رفته به ساحه‌ی خیال و جهان وهم و گمان شتافته اند.»<sup>(3)</sup>

با این توضیح، دانسته می‌شود که تفکر مطلوب و تفکری که راه ایمان و به گفته‌ی ابن قیم کلید ایمان است، آن تفکری است که الله تعالی بندگان را به سوی آن، فراخوانده است. ابن قیم می‌گوید: «ومفتاح الإيمان التفکر فیما دعا الله عباده الى التفکر فیهِ» یعنی کلید ایمان تفکر است؛ تفکر در آنچه که الله تعالی بندگان را به تفکر در آن فراخوانده است.

### 2- تفکر به اعتبار مجالات آن

تفکر به اعتبار مجالات و عرصه‌های آن، به انواع و اقسام متعددی تقسیم می‌شود؛ چون عرصه‌ها و میدان‌های تفکر، قابل حصر نیست، هر کسی دروازه‌ی تفکر، را به سوی هر چیزی بگشاید، آیات و نشانه‌های عجیب صفات الهی را تماشا می‌کند؛ طوری که در یک بیت از شعری شاعری به نام لبید آمده است: «وفی کل شیءٍ له آیهٌ ++ +تدل علی أنه واحد»<sup>4</sup> یعنی در هر چیز، و پدیده‌ای نشانه‌ای وجود دارد که دلالت به یگانگی و یکتایی الله تعالی می‌کند و اینک به برخی از انواع تفکر به اعتبار مجالات آنها اشاره می‌نماییم:

1- انسان در ذاتش به حیث انسان یک مجال بزرگ تفکر است، نفس انسانی از بزرگترین و مهم‌ترین مجال تفکر انسانی می‌باشد؛ «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (5). ترجمه: "و در وجود خودتان [نشانه‌هایی است] آیا نمی‌نگرید؟".

1- الجامع لأحكام القرآن تأليف ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بكر الأنصاری الأندلسی القرطبی ج 4 ص 310

2- فتح القدیر فی فنی الروایة والدراية من علم التفسیر تألیف محمد بن علی بن محمد الشوکانی ج 2 ص 60

3- مفتاح بار السعادة تألیف ابن قیم الجوزیه ج 1 ص 180

4- بیت از لبید بن ربیع در دیوان وموسوعه الشعر آمده بعضی هم بیت را به نواس نسبت داده اند بعضی گفته اند از ابوالعتاهیه است مراجعه شود به سایت [www.aldiwan.net](http://www.aldiwan.net)

5- الذاریات / ۲۱

« سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ » (1). ترجمه: "ما به زودی آیات و نشانه‌های [قدرت] خود را در کرانه‌های عالم و در نفس‌های خودشان نشان می‌دهیم تا برای شان روشن شود که آن حق و راست است".

2- عقل نامرئی که به چشم دیده نمی‌شود، یکی از عرصه‌ها و مجال‌های مهم تفکر، می‌باشد.

3- حیوانات، نباتات، کوه‌ها، دریاها، سنگ و چوب وسایر مخلوقات هر یک عرصه‌ی تفکر می‌باشد، الله تعالی می‌فرماید: «قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ» (2) ترجمه: "بگو بنگرید که در آسمانها و زمین چه چیزهای [ازدلایل توحید] موجود است".

4- شب و روز، آفتاب و مهتاب و ستاره‌گان مجال‌های دیگر تفکر اند. «وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ...» (3) ترجمه: "و از آیات و نشانه‌های [قدرت] او تعالی شب و روز و خورشید و ماه است".

« وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ » (4) ترجمه: "او تعالی شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما کرد، و ستارگان همه به فرمان او مسخر شده اند، یقیناً درین (امور) نشانه‌هایی است برای مردمی که درک می‌کنند".

5- بزرگترین مجال تفکر، قرآن کریم است. الله تعالی تفکر و تدبیر در قرآن کریم را به اسالیب و شیوه‌های مختلفی مطالبه نموده است: \* «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (5) ترجمه: "آیا درباره‌ی قرآن، نمی‌اندیشند، و اگر این [قرآن] از جانب غیرالله می‌بود، قطعاً اختلافات فراوانی در آن می‌یافتند".

\* «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (6) ترجمه: آیا درقرآن، نمی‌اندیشند یا بردلهای آنها قفل‌هایی افتاده است. \* «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (7) ترجمه: و قرآن را به تو نازل کردیم تا برای مردم تمام آنچه که به تو نازل شده است را، بیان کنی و تا باشد که ایشان بیاندیشند.

ابن قیم می‌گوید: «التفكر في القرآن نوعان: تفكر فيه ليقع على مراد الرب تعالی وتفكر في معاني ما دعا إليه عباده الى التفكر فيه، فالأول تفكر في الدليل القرآني والثاني تفكر في الدليل العياني، الأول تفكر في آياته المسموعة والثاني تفكر في آياته المشهودة ولهذا أنزل الله القرآن ليتدبر ويتفكر ويعمل لا لمجرد تلاوته مع الإعراض عنه.» (8)

### تفکر درقرآن دونوع است:

1- تفکر در آیات قرآن، تا انسان بر مراد پروردگار واقع شود [وآن را دریابد].

2- تفکر درمعانی آنچه‌هایی که الله بندگان را به تفکر در آنها فرا خوانده است، اولی: تفکر در دلیل قرآنی است، دومی: تفکر در دلیل عیانی است. اولی: تفکر در آیات شنیدنی و دومی: تفکر در آیات دیدنی است، و بدین سبب الله تعالی قرآن را نازل نموده تا در آن تدبیر و تفکر، صورت گرفته مورد عمل قرار گیرد، تنها برای تلاوتی که از لحاظ عمل اعراض از آن صورت گیرد، نازل نشده است.

6- جهان هستی به شکل کل، عرصه‌ی بزرگ تفکراست، کون کتاب مفتوحی است که تفکر و تدبیر در آن باورمندی و یقین کامل به عظمت آفریدگارش رامی‌رساند، و رابطه‌ی بنده با الله سبحانه و تعالی را مستحکم می‌سازد، اتصال بنده با الله به اساس تفکر در جهان هستی که آفریده‌ی پروردگار است، باعث صیقل‌یافتن روح و تهذیب نفس می‌گردد، آیات ذیل این ادعا را ثابت می‌سازد:

\* «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ. وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ. وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ» (9) ترجمه: و در زمین، دلایل روشن و نشانه‌های [فراوان] برای اهل یقین است، و در مورد وجود خودتان (نشانه‌هایی است) آیا نمی‌نگرید؟ و در آسمان، روزی شما است، و آنچه که وعده داده می‌شود.

1- فصلت / ۵۴

2- یونس / ۱۰۲

3- فصلت / ۳۷

4- النحل / ۱۲

5- النساء / ۸۲

6- محمد / ۲۴

7- النحل / ۴۴

8- مفتاح دار السعادة، تالیف ابن القیم الجوزیه ج 1 ص 187

9- الذاریات/ ۲۰-۲۳

\* « قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُعْجِبُ الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ » (1) ترجمه: "بگو بنگرید که در آسمانها و زمین، چه چیزهایی (از دلایل توحید) موجود است، ولی این دلایل توحید، نشانه‌ها و بیم دهندگان برای کسانی که ایمان ندارند، سود نمی بخشد".

\* « أَيُخْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى. أَلَمْ يَكْ نُطْفَعَهُ مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَى. ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى. فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى. أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى » (2) ترجمه: آیا انسان می پندارد که بیهوده به حال خود، رهامی شود؟ آیا او از نطفه منی نبود که در رحم ریخته می شود؟ باز خون بسته‌ای بود، آنگاه الله او را آفرید، پس موزون و استوار ساخت، بعد از آن، دو زوج مرد وزن پدید آورد، آیا چنین ذاتی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟

7- تفکر در صفات الله تعالی و افعالش از عرصه‌ی بزرگ و مهم تفکراست. مسلمان باید در صفات الله تعالی و در مخلوقاتش روی منهج و روشی که قرآن و سنت ترسیم نموده و سلف صالح به آن رفته اند، تفکر نماید. البته تفکر در ذات او تعالی ممنوع و از تفکر مذموم است طوری که قبلاً ذکر شد. زیرا این تفکر، منتج به نتیجه و منجر به علم و دانشی نمی گردد، و انسان، نمی تواند، که ذات او تعالی را درک کند، چون ناتوان و عاجز بوده نمی تواند که کنه روح خویش را که یکی از مخلوقات الله تعالی است، درک نماید، پس چگونه کنه ذات و حقیقت آفریدگار عظیم این جهان پهناور و این کاینات سرسام‌آور را بتواند، درک نماید.

8- یکی از مجالات تفکر: تفکر در امور آخرت، شرف، دوام و جاودانگی آن، و تفکر در دنیا، حقارت، دناءت و فانی بودن آنست، ثمره‌ی این تفکر، رغبت در آخرت، و زهد در دنیا است، به هر پیمانه‌ی که علم و آگاهی راجع به آخرت، احوال و احوال آن بیشتر شود، علاقمندی و میلان دلها به سوی خیر و صلاح بیش تر شده جوارح و اعضا نیز به فرمان قلب به کارهای خیر و ترک منکرات به جهد و اجتهاد می پردازد.

9- یکی از میدانهای وسیع تفکر: تفکر در نعمت‌ها و احسان‌های بی‌شمار الله تعالی است، الله تعالی انواع گوناگون نعمت‌ها را به انسان و همه آفریدگانش ارزانی نموده و رحمت بی پایان خویش را بر آنان، گسترده، واز همه مهمتر اینکه بندگان را مورد مغفرت و آمرزش قرارداده است، تفکر درین عرصه و مجال، معرفت، محبت، خوف و رجای الله تعالی را درقلب، ایجاد نموده و استمرار تفکر در اینجا توأم با ذکر الله تعالی قلب انسان را با رنگ محبت و معرفت رنگ می دهد که بنده به بهترین مقام تقرب دست می یابد.

### مبحث چهارم: روش‌های قرآنکریم در دعوت به تفکر

قرآنکریم به اسالیب مختلف و شیوه‌های متعدد انسان‌ها را به تفکر، فرا خوانده است. این تعدد روش از یکسو دلالت بر اهمیت تفکر دارد و ازسوی دیگر تسهیل برای بندگان است، که اگر ازسبب شیوه و اسلوبی به اهمیت تفکر، پی نبردند از شیوه دیگری بدانند و درک نمایند و به تفکر، روی آورده در ایمان و یقین‌شان بیفرایند، این روش و شیوه‌ها قرار ذیل است:

1- شیوه‌ی امر مستقیم و مباشر به تفکر: الله تعالی می فرماید: ﴿ قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِيَارِكُمْ ثُمَّ تَنفَكُوا مَا بَصَاحِبِكُمْ مِنْ جَنَّةٍ إِنَّهُ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ... ﴾ (3) ترجمه: "بگو من تنها به شما یک اندرز می دهم و [آن] اینکه برای الله دو نفر یا یک نفر برخیزید سپس بیاندیشید (تا بدانید) که به همنشین شما هیچگونه دیوانگی نیست...."

وهمچنان فرموده است ﴿ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴾ (4). ترجمه: قرآن کتابی است پر از برکت، آنرا آنرا به سوی تو فرو فرستادیم تا دریاتش بیاندیشند و تا خردمندان، پند گیرند.

2- اسلوب امر به نظر و تأمل و اندیشیدن: الله تعالی می فرماید: ﴿ قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُعْجِبُ الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ﴾ (5) ترجمه: "بگو بنگرید در آسمانها و زمین چه چیزهایی [از دلایل توحید] موجود است، ولی این دلایل توحید، نشانه‌ها و بیم دهندگان برای کسانی که ایمان ندارند، سود نمی بخشد".

3- روش استفهام انکاری: این روش به صیغه‌های ﴿ أَلَمْ تَرَوْا ﴾ و ﴿ أَلَمْ يَرَوْا ﴾ و ﴿ أَلَمْ يَنْظُرُوا ﴾ و ﴿ أَفَلَا يَنْظُرُونَ ﴾ و امثال این صیغه‌ها که زیاداست آمده، مانند فرموده الله تعالی: ﴿ أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ

1- یونس / ۱۰۱

2- القیامة / ۳۶ وما بعده

3- سبأ / ۴۶

4- ص / ۲۹

5- یونس / ۱۰۱

يَوْمُنُونَ ﴿1﴾ ترجمه: آیا آنان به سوی پرندگانی که در فضای آسمان رام شده اند، ندیده اند؟ جز الله آنها را نگاه نمی‌دارد، یقیناً در آن، نشانه‌هایی است، برای مردمی که ایمان می‌آورند.

و مانند: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ. وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ. وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ. وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ﴾ (2) ترجمه: "آیا به سوی شتر، نمی‌نگرند، که چگونه آفریده شده است؟ و به سوی آسمان، که چگونه برافراشته شده است، و به سوی کوه‌ها که چگونه برپا داشته شده است، و به سوی زمین که چگونه گسترده شده است؟"

و مانند: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالِهِمْ﴾ (3) ترجمه: "آیا بر قرآن، نمی‌اندیشند یا بر دلها، قفلهای آنها افتاده است." 4- روش قسم بر مخلوقات: از شیوه‌های قرآنکریم به تفکر: قسم به مخلوقات است، الله تعالی با سوگند به مخلوقات توجه بندگان را به دلایل واضح و آشکاری که در آفرینش این مخلوقات، بر قدرت الله عزوجل دارد، جلب می‌نماید، و آنان را متوجه می‌سازد، که انتخاب این مخلوق به سوگند؛ خالی از سر و اسراری نیست؛ الله تعالی در قرآنکریم به چیزهای زیادی سوگند یاد کرده است؛ مانند: خورشید، ماه، شب، چاشت، انجیر، زیتون، آسمانها و ستارگان و..... این روش در واقع یک نوع دعوت به تفکر در مخلوقات است، که انسانها بنا برسوگند پروردگار به آنها، اهمیت این آفریدگان را درک و در آفرینش آنها تفکر نمایند، تا دلایل قدرت الهی در خلق آنها را، تماشا کنند.

5- روش دیگری دعوت به تفکر: نامگذاری برخی از سوره‌های قرآنکریم به نامهای موجودات زنده و پدیده‌های طبیعی است؛ الله تعالی می‌خواهد از این طریق عقول و اذهان انسانها را به اهمیت آنها در دین و دنیا متوجه و بیدار سازد. الله تعالی سوره‌های زیادی از قرآنکریم را به این نوع چیزها نامگذاری کرده است مانند: الانسان، البقره، الانعام، النحل، العنكبوت، النجم، الطارق، الشمس، الضحی، اللیل، الفجر، العصر، الرعد، الطور و الزلزلة و..... بی تردید نامگذاری سوره‌های قرآنکریم باین نامها، اشاره به اهمیت آنها و اسرار آفرینش و جلب توجه انسانها به تفکر و تدبیر در خلقت و آفرینش آنها دارد.

6- یکی ازین روش‌ها: شیوه‌ی نکوهش و مذمت آنانی است - که به تفکر نمی‌پردازند و تامل و تدبیر نمی‌نمایند - می‌باشد. الله تعالی این چنین اشخاص را به نابینایی، ناشنوایی، گنگ و لال بودن وصف نموده و آنها را گمراه‌تر از چهارپایان خوانده است؛ طوری که می‌فرماید: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (4) ترجمه: "یقیناً بدترین جنبه‌گان نزد الله افراد کر و گنگی هستند که نمی‌فهمند، وهم فرموده: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (5) ترجمه: "آیا آنان در زمین به سیر و گردش نپرداخته‌اند، تا دل‌های داشته باشند که به آن درک کنند، یا گوش‌های داشته باشند که به آن بشنوند؟ چرا که این چشمها نیستند که کور می‌گردند، بلکه این دل‌هایی که درون سینه‌ها اند، کور می‌شوند. وهم فرموده: «وَلَقَدْ دَرَأْنَا لِحَبَّتِهِمْ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (6) ترجمه: "ما بسا از جن و انس رابرای جهنم آفریده ایم [چراکه] آنان دل‌های دارند که با آن نمی‌فهمند، و چشم‌های دارند، که با آن نمی‌بینند و گوش‌های دارند که با آن نمی‌شنوند، آنها همچون چهارپایان اند، بلکه ایشان گمراه‌ترند، آنان واقعا غافل و بی‌خبرند.

7- اسلوب و شیوه‌ی دیگری راجع به تفکر در قرآنکریم تکرار کلمات و معانی است که به تفکر و تعقل ترغیب و فرا می‌خواند؛ کلماتی چون: يعقلون، يتفكرون و مشتقات آنها و..... بگونه‌ی مثال: کلمه يعقلون ۲۲ بار، و کلمه يتفكرون ۱۲ بار، مشتقات و دیگر صیغه‌های تصریفی آنها که بیش‌تر از ۳۹ بار ذکر یافته است.<sup>(7)</sup>

8- از شیوه‌های مهم دعوت به تفکر و تدبیر مخاطب قراردادن ارباب عقول و خرد است.<sup>(8)</sup> در قرآنکریم بیش‌ترین خطابات، متوجه اصحاب عقول و ارباب خرد و صاحبان عقل می‌باشد، و البته سر و فلسفه‌ی آن اینست که ایشان باید عقول خویش را در تدبیر همان نصوص، و در اهتدا و راهیابی از آنچه که در آن نصوص، آمده است به کار اندازند. بگونه‌ی مثال:

1- النحل / ۷۹

2- الغاشية / ۱۷-۲۰

3- محمد / ۲۴

4- الانفال / ۲۲

5- الحج / ۴۶

6- الاعراف / ۱۷۹

7- المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم تالیف محمد فواد عبدالباقی ماده فکر ص 525

8- تیسیر الکریم الرحمن فی تفسر کلام المنان تالیف شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی ج 1 ص 809

\* «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (1) ترجمه: "یقیناً در آفرینش آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز نشانه های [روشنی] برای صاحبان عقل و خرد است".

\* «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (2) ترجمه: "به حقیقت، درسگذشت آنان [یعنی پیامبران یا یوسف و برادرانش] عبرتی برای خردمندان است".  
\* «كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِأُولِي النَّهْيِ» (3) ترجمه: "[از اینها] خودتان بخورید و مواشی خود را [در آن] بچرانید، یقیناً درین (امور) نشانه های روشنی برای خردمندان است".

\* «أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِأُولِي النَّهْيِ» (4) ترجمه: "آیا برای آنان [اهل مکه] روشن نشده است که چه بسیاری از مردمان [قرن های مختلف] را پیش از ایشان نابود کرده ایم که اینک ایشان در منازل آنها گام بر می دارند، بی گمان درین امر، نشانه های روشنی برای خردمندان است".

ابن جریر طبری در تفسیر این آیت می گوید: «الله تعالی ذکر این موضوع را به صاحبان عقل خاص نموده زیرا خردمندان اهل تفکر و اعتبار و اهل تدبیر و پند و درس اند»<sup>(5)</sup>.

9- از شیوه های دیگر قرآن کریم در دعوت به تفکر ضرب المثالهها به قصد تفکر و تدبیر است:

الله تعالی در قرآن کریم در آیات متعدد و مجال های مختلف مثالهها زده و مسلمانان را به تأمل و تدبیر به آنها فراخوانده است. سیوطی از ابن ابی حاتم آورده که وی از ربیع بن انس روایت میکند که گفته: الله تعالی ضرب المثلها را به اعتبار اعمال بیان کرده است، برای عمل صالح، مثال صالح و برای عمل زشت، مثال زشت.<sup>6</sup> الله تعالی راجع به بیان هدف این مثالهها میفرماید: «وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (7) ترجمه: "و الله تعالی برای مردم مثلهای می زند، تا باشد که ایشان پندگیرند". و هم فرموده: «وَتِلْكَ الْأَمْثَالَ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (8) ترجمه: "و این مثالهها را برای مردم بیان می داریم، تا باشد که ایشان بیاندیشند".

الله تعالی مسیری آنها را که ازین مثالهها انتفاع نبرده اند را توضیح داده می فرماید: «وَقَوْمٌ نُوْحٌ لِّمَا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا لَهُمُ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا. وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا. وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَكُلًّا نَبَرْنَا تَنْبِيرًا» (9) ترجمه: "و قوم نوح هنگامی که پیغمبران را تکذیب کردند، ایشان را غرق نمودیم، و آنان را برای مردم درس عبرتی گردانیدیم، و برای همه ستمگاران عذاب دردناکی آماده کردیم، و عاد و ثمود و اصحاب رس و اقوام و ملت های دیگری را که درین میان بودند [نابود ساختیم]، و برای هر یک از آنها مثل ها زدیم [و پند و اندرزها گفتیم، و چون نپذیرفتند] هر یک از آنها را سخت هلاک و نابود کردیم".

ابن جریر طبری در تفسیر این آیات می گوید: همه این ملت هایی را که نابود ساختیم، آنها را نام بردیم و آنها را نام نبرده ایم، مثال هایی برای شان زدیم، و ایشان را بر دلایل و صحبت های مان آگاهی دادیم، و با درس ها و عبرت ها عذری برای شان ننماندیم، و از ایشان هیچ ملتی را نابود ننمودیم مگر اینکه در رفع معذرت شان به ایشان ابلاغ نمودیم.<sup>(10)</sup>

10- از روش های دیگر قرآن کریم تعلیل آیات و اختتام آنها با کلمات و صیغه های دال بر تدبیر و تفکر است: بسیاری از آیات قرآن کریم با ذکر عللی پایان می یابد که دعوت به سوی تدبیر و تفکر دارد بگونه مثال:

- «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»<sup>(11)</sup> ترجمه: "بدینگونه الله آیات خود را برای شما بیان می کند، تا باشد که شما بفهمید".

1- آل عمران / ۱۹۰

2- یوسف / ۱۱۱

3- طه / ۵۴

4- طه / ۱۲۸

5- جامع البیان عن تاویل آی القرآن تألیف ابوجعفر محمد بن جریر الطبری تحقیق دکتر عبدالله بن عبدالمحسن الترمذی ط ۱۴۲۲ ج ۱۶ ص ۸۶

6- الدر المنثور فی التفسیر بالمنثور تألیف الامام جلال الدین السیوطی نشر دار احیاء التراث العربی ط ۱۴۲۱-۱ ج ۹ ص ۸۶

7- ابراهیم / ۲۵

8- الحشر / ۲۱

9- الفرقان / ۳۷-۳۹

10- جامع البیان تألیف ابن جریر الطبری ج ۱۹ ص ۲۷۲ وزاد المسیر فی علم التفسیر تألیف ابوالفرج جمال الدین عبدالرحمن بن علی بن محمد

الجوزی المکتب الاسلامی دار ابن حزم ط ۱۴۲۳ ج ۱-۴ ص ۴۷۵

11- البقرة / ۲۴۲

- «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَعْفَرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (1) ترجمه: "و الله تعالى به حکم و فرمان خود به سوی جنت و آمرزش فرا می خواند، و آیات خویش را به مردم روشن می سازد، تا باشد که ایشان پند و عبرت بگیرند".

- «انظُرْ كَيْفَ نَصَرَفَ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» (2) ترجمه: "ببین ما چگونه آیات و نشانه‌های [قدرت خود] را گوناگون بیان می کنیم، تا باشد که ایشان بفهمند".

- «فَإِنَّمَا يَسَّرْنَا بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (3) ترجمه: "جز این نیست که ما این قرآن را به زبان تو آسان کرده ایم، تا باشد که ایشان پند پذیرند".

از این قبیل آیات بی شماری وجود دارد که بشکل نمونه به ذکر برخی از آنها اکتفا نمودیم، و بی تردید بنده‌ی با ایمان، همواره تلاش می نماید، تا اهداف و غایاتی که آیات قرآنی به خاطر آنها نازل شده است را بداند، و آنرا در زندگی خویش عملی سازد، و البته این کار بدون تدبر در قرآنکریم و تامل و تفکر در لفظ و معنای آن و در سوق و سیاق آن و بدون عمل به اوامر و ارشادات آن، ناممکن است.

### مبحث پنجم: موانع تفکر و پی آمدهای آن

در بحث های گذشته راجع به اهمیت تفکرو جایگاه آن و اهتمام قرآنکریم در مورد آن در مباحث جداگانه مورد بحث ها و بررسی ها قرار گرفت، و به این نتیجه رسیدیم که تفکر، یک عبادت و یک وجیبه دینی و ایمانی و ضرورت انسانی است. اما کدام عوامل، اسباب و موانعی است که انسان را از این وجیبه‌ی مهم باز می دارد.

ما این موانع را به یاری الله تعالی در این مبحث، مورد بحث و بررسی قرار می دهیم :

1- نخستین مانع تفکر غفلت است: و آن عبارت از انهماک و سستی‌شدن در خواسته‌های زندگی و خواهشات نفسانی و سرگرم و مشغول شدن به آنها و ترک تفکر، در همه مجال‌های آنست، الله متعال می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ. أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (4) ترجمه: "بیگمان کسانی که امید ملاقات ما را ندارند و به زندگی دنیا خشنود شدند و به آن دل بسته اند و کسانی از آیات ما غافل اند، چنین کسانی جایشان دوزخ است به سبب کارهایی که می کرده اند".  
وهم در همین سوره می فرماید: «وَأِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ» (5) ترجمه: "و البته بسیاری از مردم از آیات و نشانه‌های ما غافل اند".

2- اعراض: اعراض یا روی گردانیدن که عبارت از هروب، فرار و نفرت از دلایل حق است، خواه از روی انکار و جحود باشد، و یا از کسالت و تنبلی از مشفقت تفکر و پی آمدهای تکلیف بر آن بوده باشد، یکی از بزرگترین موانع تفکر است. الله تعالی می فرماید: «وَكَايْنُ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ» (6) ترجمه: "و چه بسا از نشانه‌ها و دلایل [دال بر وجود الله] در آسمانها و زمین وجود دارد، که آنها از کنارش می گذرند، در حالی که از آن روی می گردانند".

و هم الله تعالی فرموده است: «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ» (7) ترجمه: "و آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم اما آنان از نشانه‌های آن روی گردانند".

و هم فرموده است: «وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ» (8) ترجمه: "و هیچ آیه‌ای از آیات پروردگارشان به کافران نمی رسد مگر آنکه از آن روی گردان می شدند".

3- کبر، عناد و غرور: از مهمترین اسباب و عوامل عدم تفکر است، اشخاص متصف به این صفات، آیات و نشانه‌های قدرت الهی را خوب می شناسند، اما آن حقایق که این آیات به آن دلالت دارد را، انکار می کنند.

اکثر دانشمندان غربی و بسیاری از مستشرقین، مثالها و نمونه‌های زنده‌ی این امرند. الله تعالی می فرماید: «يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ» (1) ترجمه: "آنان نعمت الله را می شناسند، پس آن را انکار می کنند و بیشترشان کافر اند". و همچنان فرموده

1- البقرة / ۲۲۱

2- الانعام / ۶۵

3- الدخان / ۵۸

4- یونس: ۸-۷

5- یونس ۹۲

6- یوسف ۱۰۵

7- الانبیا- ۳۲

8- الانعام- ۴

فرموده است: «وَجَدُوا بِهَا وَاسْتَيْفَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (2) ترجمه: "آنها ستمگرانه و متکبرانه، معجزات را انکار کردند، در حالی که دل‌هایشان بران یقین و باور داشت."

4- پیروی از هوا و خواهشات نفس: از مهمترین اسباب مانع تفکراست. پیروی هوا به این معنا است که آراء، نظریات، مواقف، سلوک و شیوه رفتار خویش را روی رغبت، اشتها و پیروی خواسته‌های نفس، بدون استناد به علم، عقل و فکر؛ خوب و بهتر می‌شمارد، در تفسیر قرطبی در تفسیر این آیه: «يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ» آمده: «ای آراء قلوبهم وما يستحسنونه و بحبه لهم الشيطان»<sup>(3)</sup> یعنی آراء دل‌هایشان و آنچه را که شیطان برای شان خوب میگرداند را پیروی میکنند. الله تعالی میفرماید: «فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَعِيرٍ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (4) ترجمه: "وچه کسی گمراه تر از آن کسی است که از هوای نفس خود، بدون رهنمودی از جانب الله، پیروی کند، حقا که الله گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند."

وهم فرموده: «فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى» (5) ترجمه: "باید که ترا از (ایمان به) قیامت باز ندارد، کسی که به آن ایمان ندارد، و از هوا و هوس خویش پیروی می‌کند که آنگاه هلاک شوی."

5- از عوامل و اسباب دیگر مانع تفکر پیروی شیطان: و کثرت گناهان است، شیطان انسان را از راه الله باز میدارد و گناهان، قلب را تاریک و نابینا می‌سازد، به این معنی که نور و روشنایی قلب، توسط گناهان ناپدید می‌شود.

الله تعالی می‌فرماید: «وَإِذْ عَلَّمْنَا نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ» (6) ترجمه: "[ای پیغمبر] برای آنها سرگذشت آن کسی را بخوان که ما آیات خود را به او دادیم، ولی او از دستور آنها خارج گشت، پس شیطان در پی او شد، و از زمره گمراهان گردید."

و در مورد گناهان فرموده است: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ. ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ» (7) ترجمه: "هرگز [چنین نیست] بلکه آنچه می‌کرده اند بر دل‌های شان زنگار بسته است، همانا آنان در آنروز از [دیدار] پروردگارشان محجوب‌اند."

6- از عوامل عدم تفکر جمود عقلی و تقلید اعمی است: یعنی پیروی از عادات، رسم و رواج‌های متعارف هر چند بیهوده، باطل و بی‌اساس بوده باشد، بدون تبیین، و نظر در آن به دنبال آن برود، مثال این امر در گذشته‌ها و قدیم‌انهاست که از پدران و پیشوایان خویش در پرستش سنگها و گاوها تقلید می‌کردند، و در این عصر، آنان اند که از غرب در الحاد و بی‌دینی وسکولاریزم، دنباله روی می‌نمایند.

الله تعالی می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلُو كَانُوا آبَائِهِمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (8) ترجمه: "و هنگامیکه به آنان گفته شود، از آنچه الله فرو فرستاده است، پیروی کنید، می‌گویند: آنچه را پیروی میکنیم که پدران خود را بر آن یافته ایم، آیا [از آنان پیروی می‌کنند] اگرچه پدرانشان، چیزی را نمی‌فهمیدند، و راه نیافته بودند."

7- جهل و نادانی از مهمترین اسباب عدم تفکر است، زیرا جاهل قیمت و ارزش آیات را نمی‌داند، و مدلول آنها را نمی‌فهمد، بناء یا توانایی تفکر ندارد، و یا ازطرز و طریقه تفکراگاهی ندارد، و از اینرو الله تعالی فرموده است: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»<sup>(9)</sup> ترجمه: "جز این نیست که از بندگان خدا، فقط دانشمندان از او تعالی می‌ترسند."

8- از موانع تفکیر و تفکر ناکاره بودن روش‌های تربیتی است: بسیاری از روش‌های تربیتی شیوه‌های بناء فکری، طرق حوار و گفتگوهای مترقی و پیش‌رفته را به کار نبسته اصلاً در به‌سازی راه تفکیر جوانان و نوجوانان از خوردسالی توجه صورت نگرفته است، ضعف و ناتوانی بسیاری از پدران، مدرسین و بی‌کفایتی آنان نیز در نضج و پخته‌سازی افکار فرزندان و شاگردان به مستوی و سطح تفکیر و تفکر درین امریاری نموده است، و اگر از واقعیت پدران و مدرسین درین امر، تفتیش صورت گیرد، خواهیم یافت که خیلی از استادان و پدران در

1- النحل-83

2- النحل-14

3-الجامع لاحکام القرآن تالیف امام قرطبی ج 13 ص 295

4- القصص / 50

5- طه / 16

6- الاعراف / 175

7- الطفین / 10-14

8- البقره / 17

9- فاطر / 28

تعامل شان با فرزندان و شاگردان، اسلوب امر و نهی را به کار برده فرصت مناقشه و مداوله فکری را هرگز نمی دهند، تا آنان افکار خویش را به کار انداخته و امور مربوط شان را از طریق حوار فکری فعال معالجه نمایند.

9- سستی، خمول و ضعف همت از عوامل دیگر مانع تفکر علمی است، بسا کسانی اند که به زاد اندکی که دارند، قناعت نموده، اراده و محاوله افزایش اندوخته علمی را ندارند، و همت خویش را براه اصلاح و رعایت آن، غرض تحقق یابی مقاصد بزرگ که انسان به خاطر آن آفریده شده است، بر نمی انگیزند، تا عبادت پروردگارا با بصیرت و دانش و بینش ادا نمایند، از این رو به تفکر به پدیده ها؛ آیات الهی: آیات دیدنی و شنیدنی نمی پردازند.

آنچه تذکر یافت برخی از اسباب و عوامل مانع تفکر و تفکر نزد برخی از اشخاص است که به صورت فشرده و مختصر بیان شد. و البته اسباب و عوامل دیگری وجود دارد که ذکر همه آنها از حوصله این نوشتار مختصر بیرون است.

### مبحث ششم: فواید تفکر و آثار آن

اولاً: طوری که در مبحث سوم راجع به انواع تفکر و مجالات آن به بحث و بررسی پرداختیم، و انواع مهم تفکر را به اعتبار محاور و مجالات آن، مورد بحث و کنکاش قرار دادیم، اینک درین مبحث می خواهیم فواید هر نوع تفکر را به صورت مشخص، مورد بحث و بررسی قرار دهیم:

1- از فواید تفکر در کون و جهان هستی تجدید ایمان و افزایش آن است.

ابن قیم رحمه الله می گوید: تفکر، حقایق امور را کشف و مراتب آنها را درخبروشریبیان و مفضول را از فاضل، جدا می سازد، و تفکر در ایمان می افزاید، به همان نحوه که عمل می افزاید.<sup>(1)</sup>

2- تفکرانسان را درپیشگاه عظمت پروردگار، بر تواضع و حسن ظن به الله عزوجل، برمی انگیزد، بشر- الحافی [یکی از علمای زاهد و عارف] می گوید: لو تفکر الناس فی عظمة الله ما عصوه<sup>(2)</sup>. اگر انسانان درعظمت و بزرگواری الله بیاندیشند، هیچگاه نافرمانی او را نمی کنند.

3- تفکر آفاق علم و ایمان را برای متفکر می گشاید، آن آفاقی که قبل از تفکر، موجود و معلوم نبوده است، زیرا هر فکری، زایندهی فکر دیگری بوده، و هر تفکر، فکر تازه را با خود می کشاند.

4- از فواید مهم تفکر، حصول محبت الله تعالی است، زیرا اصل معرفت تفکر، و ثمره آن محبت است، و محبت غایبه و مقصد اصلی هر مومن صادق است، و محبت الله تعالی با تفکر به نعمت های او تعالی حاصل می شود، چون نفس انسانی طبیعتاً با کسی که به او احسان نماید، محبت پیدا می کند، در حدیثی که ابن عباس مرفوعاً از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) روایت نموده آمده است: «احبوا الله لما یغذوکم به من نعمه و احبونی لحب الله و احبوا اهل بیتی لحبی»<sup>(3)</sup> ترجمه: الله تعالی را به خاطر دوست دارید که برای شما رزق می دهد، و با من بخاطر محبت الله؛ محبت نمایید، و اهل بیت مرا به خاطر محبت من؛ دوست بدارید.

5- از فواید تفکر، حصول خوف از الله تعالی است، تفکر به انسان این شعور و احساس را می دهد، که الله تعالی همواره و در هر جای مراقب و ناظر احوال بنده است، و این احساس و شعور، موجب خوف از الله تعالی می گردد، و چون بنده از الله تعالی خوف داشته و دوام وجود و وجود او را با خود احساس کند این امر او را از گناهان دور داشته و از سقوط در منجالات جرم و فساد باز می دارد، طوری که الله تعالی می فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ»<sup>(4)</sup> ترجمه: "و کسانی که چون عمل زشتی را مرتکب می شوند، و یا بر خود ستم می کنند، به یاد الله می افتند، و برای گناهان خویش آمرزش می خواهند، و چه کسی به جز از الله، گناهان را می آمرزد، و ایشان بر آنچه که انجام داده اند، آگاهانه بر آن اصرار نورزیده اند."

6- یکی از فواید تفکر، حصول ارتباط و اتصال دایم با الله تعالی است، زیرا تفکر، عبادت و پرستش ذات اقدس الهی با اسماء و صفات و افعالش می باشد، که این نوع عبادت برای مسلمان خوف، خشیت، خضوع، خشوع، و توجه دایمی به سوی الله را نصیب می سازد.

1-مفتاح دار السعادة تالیف ابن القيم الجوزیه ج 1 ص 540

2-تفسیرالقرآن العظیم تالیف عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن کثیر ج 2 ص 184

3-این حدیث را ترمذی در سنن به شماره 3789 و بخاری در التاریخ الکبیر ج 1 ص 183 و دیگر اصحاب سنن روایت کرده حاکم آنرا صحیح خوانده و ذهبی با آن موافقه نموده است سیوطی و دیگران آنرا صحیح ولی ابن تیمیه و برخی دیگر آنرا ضعیف گفته اند

4- آل عمران / ۱۳۵.

7- و هم از فواید تفکر، حصول علم در قلب است، که منجر به تغییر حالت و وضعیت قلب می گردد، و چون اعمال قلب تغییر یابد، اعمال جوارح انسان هرچه زود به سوی خوب و خوبتر تغییر می یابد، وهب بن منبه می گوید: « ما طالت فکرة امرء قط إلا فهم، وما فهم العلم، وما علم الا عمل به. »<sup>(1)</sup> ترجمه: فکر و تفکر انسانی (در چیزی) به درازا نمی کشد مگر اینکه آنرا می فهمد، و چیزی را نمی فهمد، مگر اینکه علم برایش حاصل می شود، و چیزی را نمی داند، مگر اینکه بدان عمل می کند.

8- از مهمترین فواید تفکر، ترسیخ و تثبیت ایمان، تنمیه و رشد آن تا درجه‌ی یقین است. تفکر در آفرینش الله و تأمل در پدیده‌های مختلف در آفریدگان، ایمان مومن را محکم و استوار نموده تا درجه‌ی یقین می رساند، حسن بصری از عامر بن قیس روایت می کند که گفته است: سمعت غیر واحد ولا اثنین ولا ثلاثه من اصحاب النبی (صلی الله علیه وسلم) یقولون: «إن ضیاء الإیمان او نور الإیمان التفکر»<sup>(2)</sup> ترجمه: [عامر بن قیس می گوید] بیشتر از یک، دو و سه تن از یاران پیامبر-صلی الله علیه وسلم- را شنیدم که می گفتند: تابش یا نور ایمان تفکر است.

9- شناخت الله تعالی برای هر فرد مسلمان، مقصود اساسی و هدف اولی می باشد، و مطلوب مهم، از عبادت تفکر، دریافت همین غایه و هدف مهم است، سالکین و عابرین این طریق، راهی را به سوی پروردگار سریعتر و آسانتر از تفکر نیافته اند.

10- تعوید قلب بر تفکر در جهان هستی که الله تعالی آفریده است، و تفکر در نشانه‌های قدرتش که درین جهان پراکنده است، و دیدن با چشم قلب به آثار اسماء و صفات و حکمت افعال و قدرت وسیع او، مفاهیم توحید را در قلب، ترسیخ و تثبیت می نماید، و بنده بالوسیله معرفت پروردگار، جلال و عظمت او را کمایی می کند.

#### ثانیاً: خلاصه فواید تفکر:

فواید مهم تفکر را می توان در فقرات ذیل خلاصه کرد:

- اقرار و اعتراف به وحدانیت الله تعالی.
  - زیادت قرب و حصول تقرب بنده به الله تعالی.
  - کشف عجایب آفرینش و صنع حیرت‌انگیز آفریدگار عظیم.
  - غرس خوف و خشیت الله تعالی در نفس.
  - زیادت در تواضع بنده در برابر پروردگار بزرگ.
  - افزایش محاسبه نفس بر لغزشها و خطاهای آن.
  - باعث پاکیزگی نفس و روشنی و صفایی روح.
  - قلب را زنده و در ایمان و یقینش به قدرت الله تعالی و عظمت او می افزاید.
  - دانش عمیق، نظر صواب و رای استوار به ارمغان دارد.
  - نفس را از نافرمانی و از مخالفت اوامر الله و دساتیر او، دور نگاه می دارد.
  - دروازه‌های علم و معرفت را باز، و انسان را به فراگیری علوم جدید و مفید قادر می سازد.
  - یقین بنده را در آمدن رستاخیزو در ایستادن به پیشگاه پروردگار مستحکم، و باورمندی او را در آن قوت می بخشد.
  - بنده را بر کارهای خوب، مستمر و با دوام، بر می انگیزد، تا توشه‌ای برای روز قیامت داشته باشد.
- اینها و ده‌ها فواید دیگری که تفکر با خود دارد، بدون تردید، تفکر را در جایگاهی قرار می دهد، که میتوان با صراحت گفت که " تفکر راهی به سوی ایمان است".

#### نتیجه گیری

1. از خلال تحقیق و بحث که درین نوشتار صورت گرفته نتایج ذیل به دست می آید :
2. تفکر مهم ترین وسیله دریافت حقایق است که با اعمال فکر و تصرف قلب صورت میگیرد.
3. تفکر نوعی از عبادتی است که الله تعالی طی آیات متعددی مسلمانان را به آن فراخوانده است.
4. با تفکر می توان الله تعالی را با همه اسماء و صفاتش شناخت و به عظمت و قدرت بیکران او پی برد.

1-تفسیرالقرآن العظیم تالیف ابن کثیر ج 2 ص 184 تفسر آیه 190 سوره آل عمران .  
2-نفس مرجع قبلی ص 185.

5. تفکر در امور که بالاتر از حد ادراک و فراتر از حیطة توان عقل باشد تفکر مذموم و ناپسند است
6. مجال تفکر هر دو نوع آیات : تکوینی و تنزیلی بوده تفکر در آیات تکوینی دلیل عیانی و تفکر در آیات تنزیلی دلیل قرآنی است.
7. روش متعدد قرآن کریم در دعوت به تفکر بیانگر اهمیت و ارزشمندی تفکر است.
8. موانع تفکر ناشی از عوامل درونی انسان می باشد
9. فوائد تفکر به اساس تعدد مجالات آن متعدد است
10. تفکر در حقیقت باز نمودن نظرو دید به سوی عجائب حیرت انگیز صنعت و خلقت پروردگار در اسرار و دقائق آفرینش است که با آن عظمت پروردگار در آفرینش تجلی می یابد 10—از خلال این بحث و تحقیق ثابت می شود که تفکر حقا راهی به سوی ایمان است.

### مآخذ و مراجع

- 1- الأخطاء المنهجية والتاريخية في مولفات اركون والجابري / دكتور خالد كبيرعلال نشر دارالمحتسب طبع اول سال طبع 2008 م
- 2- التاريخ الكبير / ابو عبد الله محمد بن اسماعيل البخاري تحقيق سيد هاشم الندوي تعداد أجزاء 9.
- 3- التعريفات / علي بن محمد بن علي الجرجاني تحقيق ابراهيم الأبياري نشر دارالكتاب العربي بيروت.
- 4- تفسير القرآن العظيم - تفسير ابن كثير / ابوالفداء اسماعيل بن عمر بن كثير ت 770 تحقيق سامي بن محمد سلامة نشر دارالطيبه للنشر والتوزيع طبع دوم 1420 هـ.
- 5- التفكير والاعتبار / عبدالكريم الحميد طبع اول 1426 بريدة المملكة العربية السعودية.
- 6- التفكير/ خالد بن عثمان البت المكتبة الشاملة قسم الكتب الاسلامية العامة.
- 7- التوقيف على مهمات التعاريف / عبدالرؤوف المناوي ت 1031ه تحقيق دكتور عبدالحميد صالح حمدان طبع اول 1410 عالم الكتب.
- 8- تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان / الشيخ عبدالرحمن بن ناصر السعدي نشر- موسسه الرساله طبع اول سال طبع 1420 هـ.
- 9- تيسير الوصول الى الثلاثه الأصول / عبدالمحسن بن محمد القاسم طبع اول سال طبع 1427 هـ.
- 10- جامع البيان عن تأويل آي القرآن / ابو جعفر محمد بن جرير الطبري تحقيق دكتور عبدالله بن عبدالمحسن التركي بالتعاون مع مركز البحوث والدراسات الاسلاميه ط سال طبع 1422 هـ.
- 11- الجامع لاحكام القرآن - تفسير القرطبي / ابو عبد الله محمد بن احمد الانصاري القرطبي تحقيق احمد البردوني وابراهيم اطفيش نشر دارالكتب المصريه القايره.
- 12- الدر المنثور في التفسير بالمأثور / الامام جلال الدين السيوطي تصحيح وتخريج احاديث توسط شيخ نجت نجيب دار احياء التراث العربي ط سال 1421 هـ.
- 13- زاد المسير في علم التفسير / الامام ابوالفرج جمال الدين عبدالرحمن بن علي بن محمد بن الجوزي المكتب الاسلامي دار ابن حزم ط سال طبع 1423 هـ.
- 14- سنن الترمذي / ابو عيسى محمد بن عيسى الترمذي تحقيق بشار عواد طبع دارالغرب الاسلامي - بيروت سال طبع 1998 م
- 15- شرح العقيدة السفارينية / شيخ محمد صالح العثيمين.
- 16- صحيح البخاري / محمد بن اسماعيل البخاري نشر دار ابن كثير اليمامة - بيروت طبع سوم 1407 هـ.
- 17- الفتاوى الكبرى / تقى الدين ابوالعباس احمد بن عبدالحميد بن تيميه تحقيق محمد عبد القادر عطا ومصطفى عبدالقادر عطا نشر دارالكتب العلميه بيروت لبنان.
- 18- القاموس المحيط / محمد بن يعقوب فيروز آبادي طبع مصر.
- 19- القرآن الكريم.
- 20- القوانين الفقهيه / ابوالقاسم محمد بن احمد بن جزى الكلبي الغرناطي ت 741.
- 21- لسان العرب / محمد بن مكرم بن منظور افریقی مصری مشهور به ابن منظور دار صادر بيروت طبع اول.
- 22- لغت نامه دهخدا / علی اکبر دهخدا انتشارات دانشگاه تهران تاریخ نشر 1359 هـ.

- 23- المستدرک علی الصحیحین / ابو عبدالله محمد بن عبدالله الحاکم النیسابوری تحقیق مصطفی عبد القادر عطا نشر- دار الکتب العلمیئ بیروت طبع اول 1411هـ.
- 24- المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم / محمد فواد عبدالباقی دار احیاء التراث العربی بیروت لبنان.
- 25- المعجم الوسیط / مجموعة من العلماء تحقیق مجمع اللغة العربیة نشر دار الدعوة.
- 26- مفتاح دار السعاده و منشور ولایه العلم والاراده / محمد بن آبی بکر بن قیم الجوزیه دارالکتب العلمیه بیروت لبنان.